

تمام کسانی که از دست داده‌ام هنوز بوده‌اند و خانه مادر بزرگم که همه در آن جمع می‌شدیم.

چندی پیش در خبرها داشتیم که شمار برنده بازیگر نقش اول زن در جشنواره اسپ نقره‌ای روسیه شدید درباره‌ی این جشنواره برایمان بگویند؟

بله این جایزه برای بازی بنده در فیلم "اشیاء از آنچه در آینده می‌بینید به شما نزدیک‌ترند" به کارگردانی خانم آبیاری، خوشبختانه استقبال تماشاگران روس از این فیلم سینمایی خوب بود و از گروه‌های سنی مختلف برای دیدن این فیلم در دو نوبت نمایش آمده بودند. فیلم سینمایی "اشیاء از آنچه در آینده می‌بینید به شما نزدیک‌ترند" درباره‌ی زندگی بازیگر به نام لیلا است که با مشکلاتی در زندگی دست به گریبان است که این مشکلات اگر چه کوچک و بی‌اهمیت هستند اما برای او بزرگ جلوه می‌کنند.

سقف آرزوهای شما در بازیگری چیست؟

همه هنرها دنیای گسترده‌ای دارد و نمی‌شود به این سادگی و کوچکی به آن نگاه کرد و راضی شد. بازیگری دنیای عجیبی دارد و می‌توان گفت تمام شدن نیست. به نظر من به تعداد آدم‌ها و به تعداد قصه‌ها کارا کترهای جذاب وجود دارد برای بازی کردن. من در ابتدای دهه سی زندگی‌ام هنوز کمی وقت دارم برای اینکه نقش‌های جذاب و ماندگاری بازی کنم. بازیگری همچنان برای من خیلی جدی است و به این نتیجه رسیده‌ام که بعد هنری و فرهنگی نقش‌ها و پروژه‌هایی که می‌پذیرم، تنها خواسته من در بازیگری است و دنبال هیچ چیز دیگری جز خود بازیگری نیستم.

کنم که در کدام حرف حس بهتری دارم چون هر وقت احساس بهتری به سراغم می‌آید احساس می‌کنم آن اتفاقی که باید افتاد. مثلاً ممکن است در حین بازی یک سکانس یا بعد از خواندن یک فیلمنامه یک اتفاق درونی در شما به وجود آید که به شما این امکان را می‌دهد که خلق کنی و خوب این اتفاق بسیار شیرین و غیر قابل توصیف است و گاهی دیگر هم این اتفاق در نوشتن به سراغت می‌آید اما به طور خاص در مورد سوآلت باید بگویم که هر جایی خلق کردن غیر آگاهانه رخ داد به دلیل صدافتی که در آن وجود داشت برای من زیباتر بود.

در ماه رمضان امسال در فیلم مدینه هم حضور داشتید. به نظر شما کارهایی که در ایام ماه رمضان پخش می‌شود با دیگر کارها چه تفاوتی دارد؟

من از بازی در این ایام لذت می‌برم چون حس و حال متفاوتی را دارد؛ به ویژه اینکه شما زبان روزه بازی می‌کنید و مردم هم با حال و هوای معنوی این کار را تماشا می‌کنند. در هر حال پیش از "مدینه" من فقط سریال "نون و ریحون" را داشتم که در ماه رمضان از تلویزیون پخش شد البته چند کار هم داشتم که قرار بود برای ماه رمضان باشد اما در زمان دیگری پخش شدند. در هر حال نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که ماه رمضان زمان خوبی برای پخش برنامه دارد و سریال‌هایی شانس را دارند که کارشان بیشتر دیده شود. البته امسال کارها با جام جهانی همزمان شده بود اما با این اوصاف سریال "مدینه" توانست مخاطبان خودش را پیدا کند.

از نظر خود شما دوست داشتنی‌ترین کارا کتری که بازی کرده‌اید، کدام است؟

لیلاهایی که بازی کرده‌ام را دوست داشتم، لیلا در فیلم شیدایی و لیلا در فیلم اشیا از آنچه در آینده می‌بینید به شما نزدیک‌ترند.

تا بحال شده به خودتان افتخار کنید؟

بله، در ایران فیلم شیار ۱۴۳ بعد از فیلم همه در حال تشویق کردن بودند که پدرم آمد و با چشمان گریان مرا بغل کرد و بهترین لحظه در زندگی من بود؛ اینکه روی پدرم تاثیر گذاشتم. در کل هر زمان که احساس می‌کنم پدرم و مادرم از من راضی هستند به خودم افتخار می‌کنم.

جایگاه الان گلاره با آنچه در نوجوانی آرزو داشته‌است، چقدر به هم نزدیک هستند؟

به آرزوهای دوران نوجوانی‌ام خیلی نزدیک هستم اما از آرزوهای آینده‌ام خیلی دورم.

بهترین تصویری که همیشه در ذهن شما ماندگار است؟

بهترین تصویر متعلق به زمانی است که

هم می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد و همه نقش‌ها شبیه هم نوشته نمی‌شوند. اگر می‌خواهیم از کلیشه شدن پرهیز کنیم، به همراه بازیگر، باید در فیلمنامه نویسی، کارگردانی و انتخاب بازیگرانی که برای نقش‌ها انتخاب می‌شوند، تحولی ایجاد شود تا از کلیشه شدن دور شوند تا بازی بازیگر هم کلیشه نشود.

خانواده‌تان اهل دنبال کردن کارها پتان هستند؟

بله، پدرم و مادرم با دقت خاصی کارهایم را دنبال می‌کنند. پدرم بزرگ‌ترین منتقد من است و سختگیرانه روی بازی من نظر می‌دهد و هر جایی که بد بازی کنم یا اگر مصاحبه بدی داشته باشم، اولین نفر است که به من می‌گوید و تذکر می‌دهد. به همین دلیل اولین تلفنی که بعد از کار رد و بدل می‌شود، تلفن به پدرم است که معمولاً کیفیت بازی‌ام را از او جویا می‌شوم. پدرم در جریان تمام قراردادهای من است و فیلمنامه‌های مرا می‌خواند. والدینم همیشه از من در شرایط مختلف حمایت کرده‌اند و ترجیحشان در انتخاب نقش‌هایم، احترام به مردم است و همیشه هشدار آنها این بوده که به سلیقه مخاطب احترام بگذارم.

شما جزو معدود بازیگران زنی بودید که دست

به عمل جراحی زیبایی زده‌اید. چرا؟

این کار را انجام ندادم چون اعتقادی به آن ندارم. از طرفی به طبیعی بودن چهره اعتقاد دارم. عمل زیبایی چهره را ساختگی و مصنوعی می‌کند و باعث می‌شود بازیگر در حین بازی نتواند حس‌هایش را به درستی منتقل کند. اگر بازیگری به کارش تسلط داشته باشد هر چقدر چهره‌اش پیر شود باز هم پیشنهاد کاری خواهد داشت. و به نظر من عمل‌های زیبایی مثل نقابی می‌شوند بین مخاطب و بازیگر.

علاوه بر بازیگری فعالیت دیگری را هم انجام

می‌دهید؟

بله، نویسنده‌گی؛ ولی هنوز جرات این را ندارم که درباره‌ی نویسنده شدن فکر کنم. ادبیات دنیای عجیب و وسیعی است و هنوز جسارت این را در خودم نمی‌بینم فقط علاقه مندم.

بازیگری نوعی خلق کردن است. جنس خلقی که در بازیگری وجود دارد اساساً با نویسنده‌گی فرق دارد چون در اولی کارا کتر به نوعی هسته اولیه است که از نوشته‌های یک فیلمنامه نویسنده و راهنمایی یک کارگردان دریافت می‌شود اما در نوشتن شما تنها هستید و باید افسار همه چیز را به دست بگیرید و به هر جایی که دوست دارید بپردازید با این اوصاف از بین نوشتن و بازی کدامشان روح شما را بیشتر به لحاظ خلق یک اثر آرام می‌کند؟

من همیشه دنبال یک اتفاق خوب در زندگی‌ام هستم و درست به همین خاطر الان نمی‌توانم انتخاب



من از بازی در ماه رمضان لذت می‌برم چون حس و حال متفاوتی را دارد؛ به ویژه اینکه شما زبان روزه بازی می‌کنید و مردم هم با حال و هوای معنوی این کار را تماشا می‌کنند